



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۴/۱۹

تأملی در علل توسعه و تخریب اقامتگاه‌های شاهی میان‌راهی دوران صفوی با نگاهی بر دولت آباد، علی آباد ریگ و دمبی در شمال اصفهان

سعید امیرحاجلو* جواد نیستانی**
سیدمهدی موسوی*** حمید خطیب شهیدی****

چکیده

اقدامات شهرسازی شاه‌عباس اول اوج فعالیت‌های عمرانی در سده‌های متأخر اسلامی ایران است. یکی از این اقدامات، احداث راه اصفهان - فرح‌آباد ساری بود. از عناصر شاخص معماری در طول این مسیر اقامتگاه‌های شاهی بود که به‌دستور شخص شاه بنا شدند و شاهان این سلسله در سفرهای خود به نواحی شمالی در این منازل میان‌راهی اقامت می‌کردند.

با بررسی و مکان‌یابی این اقامتگاه‌های شاهی در نواحی شمالی اصفهان این سؤال به ذهن می‌رسد که چرا برخی از این اقامتگاه‌ها به تدریج توسعه یافتند و به مراکز شهری بزرگ و مهمی تبدیل شدند در حالی که برخی دیگر از اواخر عصر صفوی کم‌کم بلااستفاده، متروک و تخریب گردیدند؟

در این مقاله، ابتدا سه اقامتگاه شاهی دوران صفوی در شمال اصفهان معرفی و ساختار فضایی و بافت پیرامون آنها تحلیل شده است. سپس دلایل تبدیل اقامتگاه شاهی دولت‌آباد به شهری بزرگ و مؤثر در مناسبات فرمانطقه‌ای اصفهان و علل عدم رشد و توسعه دو اقامتگاه علی‌آباد ریگ و دمبی و تخریب آنها، از منظر باستان-زیست‌بوم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله میدانی - تاریخی - تحلیلی است؛ بدین ترتیب که ابتدا مطالعات تاریخی به‌ویژه در سفرنامه‌های دوران صفوی و پس از آن صورت گرفته است تا بتوان درباره مسیرهای ارتباطی و منازل میان‌راهی آن دوران آگاهی کسب کرد. سپس بررسی پیمایشی به‌روش مکان‌نگاری برای شناسایی و ثبت آثار صورت گرفته و یافته‌های بررسی پیمایشی میدانی با اطلاعات حاصل از منابع مکتوب (تواریخ، کتب جغرافیایی و سفرنامه‌ها) مطابقت داده شده است و اقامتگاه‌های مورد اشاره مستندسازی شدند. پس از بررسی میدانی در محل آثار مورد اشاره و مطالعات تاریخی، نگارندگان به تحلیل عوامل اثرگذار بر روند شکل‌یابی و تخریب این آثار پرداخته‌اند. بر این اساس در فاز مکان‌یابی و شکل‌گیری این اقامتگاه‌ها، متغیرهای بوم‌شناختی فضا، ماده و تنوع نقش، اثرگذاری داشته‌اند؛ در حالی که در فاز تخریب، دو متغیر فضا و انرژی دارای بیش‌ترین نقش بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: باستان-زیست‌بوم‌شناسی، اقامتگاه‌های شاهی، بناهای میان‌راهی، صفویان، شمال اصفهان.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی با گرایش دوران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس.

** استادیار دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

*** استادیار دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

**** استادیار دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

انتقال مرکز حکومت صفویان از نواحی شمالی به مرکز ایران، یکی از اقدامات اساسی شاه‌عباس اول صفوی برای تحکیم قدرت سیاسی و مذهبی صفویان و هم‌چنین رشد و گسترش سرمایه‌داری دولتی بود. این امر، صفویان را به یکی از قدرت‌های مهم سیاسی و اقتصاد جهانی آن دوران تبدیل کرد (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۴۷۷). در این دوران، شهر اصفهان به یکی از مراکز بزرگ شهری و حکومتی تبدیل شد و شاه‌عباس اول، پس از پشت سر گذاشتن اوضاع نابسامان مملکت در اواخر قرن دهم هجری، نخست به فعالیت‌های عمده‌ای در زمینه برنامه‌ریزی شهری در اصفهان اقدام کرد و سپس در سراسر ایران دست به سازندگی زد تا اقتدار سلطنت خود را بیش‌تر ثابت کند. یکی از برنامه‌های سازندگی او، آبادانی راه‌های منتهی به اصفهان و شهرهای دیگر، بنادر و قلاع بود. کاروان‌سراها، چاپارخانه‌ها، اقامتگاه‌های میان‌راهی شاهی و دیگر بناهای وابسته به جاده‌ها، همگی براساس درخواست شاه و طبق طرح‌هایی منظم و از قبل تعیین‌شده در دیوان مرکزی دولت طرح‌افکنده شدند (فریر، ۱۳۸۴: ۶۹؛ بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۴۸۴). مهم‌ترین اقامتگاه‌های شاهی بین‌راهی صفویان که برخی از آنها به‌عنوان کاخ یا کوشک‌های شکارگاهی برون‌شهری نیز کاربرد داشته‌اند (کلایس، ۱۳۸۶: ۳۰۴) به‌دستور شاه‌عباس اول و در راستای اقدامات عمرانی و توسعه راه‌های ارتباطی احداث شدند. یکی از این راه‌های ارتباطی جاده کویر بود که اصفهان را به بهشهر و فرح‌آباد ساری مرتبط می‌ساخت و مورد استفاده شاه‌عباس اول و شاهان پس از او بود. هم‌زمان با احداث این جاده، شاه‌عباس دستور ساخت اقامتگاه‌های درباری را در طول این مسیر صادر کرد و در فواصلی منظم این اقامتگاه‌ها بنا شدند (اسکندریک، ۱۳۷۷: ۱۱۱۱). اقامتگاه‌های شاهی مسیر اصفهان - فرح‌آباد که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به‌ترتیب عبارت‌اند از دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی که شاه و هیئت همراه پس از خروج از دروازه اصفهان، به‌ترتیب در شب اول، دوم و سوم در آنها اقامت می‌کردند (تصویر ۱). در این مقاله، نگارندگان ابتدا به معرفی سه اقامتگاه شاهی دوران صفوی در شمال اصفهان و تحلیل ساختار فضایی و بافت پیرامون آنها پرداخته‌اند. سپس دلایل تبدیل اقامتگاه شاهی دولت‌آباد به شهری بزرگ و مؤثر در مناسبات فرمانطقه‌ای اصفهان و علل عدم رشد و توسعه دو اقامتگاه علی‌آبادریگ و دمبی و تخریب آنها را از منظر باستان‌زیست‌بوم‌شناسی مورد مطالعه قرار داده‌اند. به

سخن دیگر، نقش متغیرهای بوم‌شناختی را در شکل‌گیری و توسعه یا تخریب این اقامتگاه‌ها بررسی نموده و استدلال مقاله را برپایه این فرضیه استوار ساخته‌اند که متغیرهای فضا و ماده و تنوع بیش‌ترین نقش را در شکل‌گیری و متغیرهای فضا و انرژی بیش‌ترین تأثیر را در تخریب این اقامتگاه‌ها داشته‌اند.

روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله میدانی - تاریخی - تحلیلی است؛ بدین ترتیب که پس از بررسی میدانی باستان‌شناختی در دشت کهن برخوار، اقامتگاه‌های شاهی برجای‌مانده در این ناحیه که شامل دو اقامتگاه «علی‌آباد ریگ» و «دمبی» و یک اقامتگاه تخریب‌شده در «دولت‌آباد» است، به‌دقت ثبت و مستندسازی شد و پس از آن با مطالعه متون و منابع مکتوب تاریخی به‌ویژه تواریخ مهم دوران صفوی از جمله تاریخ عالم‌آرای عباسی تلاش شد شواهد معماری برجای‌مانده از این اقامتگاه‌ها با توصیفات و گزارش‌های موجود در متون تاریخی مطابقت داده شود. پس از آن براساس مبانی نظری زیست‌بوم‌شناسی «کنت وات»، نقش متغیرهای محیطی و بوم‌شناسی در شکل‌یابی، توسعه و تخریب این اقامتگاه‌ها تحلیل شد. به‌سخن دیگر، برای ارزیابی نقش پنج متغیر «ماده»، «تنوع»، «انرژی»، «زمان» و «فضا» در روند شکل‌یابی و تخریب این آثار، شواهد بررسی‌های میدانی و توصیفات و گزارش‌های موجود در منابع تاریخی ملاک قرار گرفت.

اقامتگاه شاهی دولت‌آباد

شهر دولت‌آباد امروزی در شمال اصفهان و در فاصله حدود ۱۵ کیلومتری از مرکز شهر اصفهان واقع است. این شهر براساس تقسیمات جغرافیایی کنونی، مرکز شهرستان برخوار و شهری مهم در شمال اصفهان محسوب می‌شود. دولت‌آباد کنونی در فاصله سه کیلومتری ویرانه‌های دولت‌آباد قدیم گسترش یافته است. به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری دولت‌آباد قدیم احداث یکی از اقامتگاه‌های شاهی در مسیر اصفهان به فرح‌آباد ساری و مشهد مقدس بود که این امر سبب توسعه این منطقه و تبدیل آن به قریه یا روستایی کوچک شد؛ چنان که در برخی منابع مکتوب و متون تاریخی، از دولت‌آباد با نام «قریه دولت‌آباد» یاد شده است (اسکندریک، ۱۳۷۷: ۱۰۳۰). اما در حال حاضر، دولت‌آباد شهری مهم در شمال اصفهان محسوب می‌شود.



می‌رسد هردو متعلق به حصار و باروی روستای دولت‌آباد قدیم بوده‌اند (تصویر ۲).

اسکندربیک ترکمان در عالم‌آرای عباسی در چند جا به توقف شاه یا امرا در دولت‌آباد اشاره کرده است؛ از جمله در ذکر سفر پیاده شاه‌عباس از اصفهان به مشهد (اسکندربیک، ۱۳۷۷: ۹۸۲)، در ذکر یورش شاه‌عباس به آذربایجان و اقامت او در دولت‌آباد به مدت یک شب (اسکندربیک، ۱۳۷۷: ۱۰۳۰) و همچنین در ذکر استقبال اعتمادالدوله حاتم بیک از جلالیان (اسکندربیک، ۱۳۷۷: ۱۲۵۸). در یکی از سفرهای شاه‌عباس به خراسان و مراجعت او به اصفهان، دستور داد الهانبیک به دارالسلطنه اصفهان برود و برابر با پانزده‌هزار پیاده با لباس‌های رنگین از اصفهان و اطراف آماده کند تا در روز ورود شاه‌عباس به دولت‌آباد، در این قریه حاضر باشند (افشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۵۷۳ و ۵۷۵؛ فلسفی، ۱۳۴۷: ۲۸۶). فیگوتروا در دوره شاه‌عباس اول، در سفر از اصفهان به قزوین، از بخشی از راه شاهی عبور کرده است و کاتب او منازل این راه را از اصفهان تا عباس‌آباد نطنز توصیف کرده است. گرچه او نام برخی از منازل را دقیقاً ذکر نکرده یا با نام دیگری خوانده است، اما با تطبیق راهی که او پیموده و مسافت‌هایی که به فرسخ بیان کرده، می‌توان آن منازل را با اقامتگاه‌های اصلی مسیر شاهی تطبیق داد. او به اقامتگاه دولت‌آباد به‌عنوان نخستین منزل پس از اصفهان اشاره کرده است: «روز بیست‌ونهم، سفیر سه فرسنگ راه پیمود و به دهکده‌ای به‌نام دولت‌آباد رسید که در آن خانه‌ای متعلق به شاه وجود داشت. این خانه جز یک تالار که در اطرافش چهار راهرو کوچک بود و یک اتاق دفتر نداشت و دیوارهای اتاق دفتر با نقاشی‌هایی به‌سبک قدیم آرایش شده بود که شکارگاه، مجلس ضیافت و رقص زن‌ها را به‌همان شیوه که امروز در ایران مرسوم است، مجسم می‌کرد» (فیگوتروا، ۱۳۶۳: ۲۳۴). در عصر قاجار، ارباب اصفهانی در ذکر دهات بزرگ و معروف برخوار به دولت‌آباد اشاره کرده است (ارباب اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳).



تصویر ۱. استان اصفهان - جانیابی دولت‌آباد (۱)، علی‌آبادریگ (۲) و دمی (۳) در جنوب کوه‌های کرکس (تنظیم نقشه از نگارندگان).

دولت‌آباد نخستین منزل و اقامتگاه شاهی پس از خروج از دولت‌خانه صفوی و دروازه طوقچی بود. برطبق اظهارات سالخورده‌گان منطقه، شهر قدیم دولت‌آباد که در این ناحیه به منطقه «درّه» نیز معروف است، بر اثر جاری شدن سیلی در حدود ۱۲۰ سال قبل به کلی ویران شد و ساکنان آن، خانه‌های خود را در محل شهر جدید دولت‌آباد در سه کیلومتری دولت‌آباد قدیم بنا کردند.

کشت و زرع و جابه‌جایی خاک زمین‌های دولت‌آباد قدیم برای مقاصد کشاورزی، ساختمان‌سازی و کوره‌های آجرپزی از یک‌سو و هم‌چنین تخریب در اثر سیلی که در آن به‌وقوع پیوسته از سوی دیگر، تعیین حریم این شهر را براساس بقایای سطحی مشکل می‌سازد؛ اما با نگاهی بر تصاویر ماهواره‌ای از این منطقه به‌نظر می‌رسد وسعت شهر قدیم در حدود ۷۰۰×۱۲۰۰ متر بوده و بر این اساس، در موقعیتی از طول جغرافیایی "۴۷' ۵۹" ۳۲° تا طول "۴۷' ۳۵" ۳۲° و از عرض جغرافیایی "۴۴' ۰۰" ۵۱° تا عرض "۴۴' ۱۵" ۵۱° قرار گرفته است. براساس بررسی نگارندگان در منطقه، در حال حاضر از روستا یا شهر قدیم فقط بقایای دو برج، برخی تپه‌های کوچک و بزرگ ناشی از جابه‌جایی خاک و آوار ساختمانی، قطعات سفال آبی و سفید صفوی، لعاب‌دار تک‌رنگ فیروزه‌ای و سبز برجای‌مانده است. دو برج اشاره‌شده در فاصله ۳۷۰ متر از یکدیگر قرار دارند و با توجه به برجستگی‌های موجود در حد فاصل این دو به‌نظر



تصویر ۲. یکی از برج‌های برجای‌مانده از حصار دولت‌آباد قدیم در سمت چپ و بقایای حصار در امتداد آن (عکس از نگارندگان)

اقامتگاه علی‌آبادریگ

علی‌آبادریگ دومین منزل شاهی پس از دولت‌آباد بود؛ اما با وجود این که در دوران پس از شاه‌عباس نیز مورد استفاده شاهان و درباریان قرار می‌گرفت، کمتر از دولت‌آباد توجه مورخان و سیاحان را جلب کرده است. برخی سیاحان خارجی در گزارش‌ها و سفرنامه خود به راه شاهی دوران صفوی و اقامتگاه‌های آن اشاره کرده‌اند. پیتر دلاواله ایتالیایی که در دوره شاه‌عباس صفوی به ایران سفر کرد، در کاروانسرا یا اقامتگاه شاهی علی‌آبادریگ اقامت داشته است (دلاواله، ۱۳۷۱: ۱۳۳). فیگوئروا سفیر اسپانیا نیز در دوره شاه‌عباس از این مسیر عبور کرده است؛ در سفرنامه او اقامتگاه علی‌آبادریگ، کاروانسرای نیمه‌خراب اما قابل سکونت توصیف شده و به آب بد آن اشاره شده است (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۴). اولناریوس (۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۳) و کاتف (۱۳۵۶: ۳۵-۶۱) نیز از این مسیر گذشته‌اند.

ارباب‌اصفهانی در دوره قاجار، فقط به خربزه مرغوب در مزارع کمشچه و مزرعه علی‌آباد که از مزارع کمشچه بوده، اشاره کرده است (ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۱). این ذکر او نشان می‌دهد در زمان او روستای علی‌آبادریگ چندان آباد نبوده و وصف قابل توجهی نداشته و تنها به‌عنوان یکی از مزارع کمشچه شناخته می‌شده است.

در بررسی باستان‌شناختی نگارندگان در این محوطه، شواهدی از جمله قطعات سفال پراکنده از دوران قبل از صفویان نیز به‌دست آمد که شامل قطعاتی از سفال فیروزه‌ای قلم مشکی و آبی و سفید مغولی بود؛ بنابراین، به‌احتمال زیاد قبل از دوران صفویان سکونتی در این ناحیه وجود داشته است و در دوره شاه‌عباس در محدوده جنوب شرقی علی‌آبادریگ اقامتگاه درباری شاه احداث شد که تا مدت‌ها مورد استفاده بود (تصویر ۳)؛ تا این که به‌مرور زمان متروک و با وزش طوفان‌های شن از کویر مرکزی ایران زیر لایه‌ای از شن مدفون شد. در حال حاضر، در سطح محوطه، بقایای تپه‌های کوچک و بزرگ ناشی از آوار ساختمانی و لایه‌های شن وجود دارد که در برخی نقاط، اجزای معماری از جمله طاق‌ها، قوس‌ها و گنبد‌ها از لایه شن بیرون زده و قابل تشخیص‌اند (تصویر ۴).

بنا بر اظهار کلایس، یکی از اقامتگاه‌های راه شاهی قمشه (کمشچه) بود که به‌دلیل وسعت این روستا و استحکام برج‌و باروی آن، خود روستا همانند یک کاروانسرای بزرگ عمل می‌کرد و کاروانسرای مستقلی در آن وجود نداشت (کلایس، ۱۳۶۵: ۷۳). براساس بررسی میدانی نگارندگان در کمشچه و اطراف آن، تنها بنای قابل توجه در داخل شهر فعلی قلعه شاهوازی است که براساس ابعاد کوچک



تصویر ۳. اقامتگاه شاهی علی‌آبادریگ - نمای جنوب غربی (عکس از نگارندگان)



تصویر ۴. بقایای معماری روستای علی‌آبادریگ، مدفون در زیر شن (عکس از نگارندگان)



تصویر ۵. بخشی از صحن و غرفه‌های اقامتگاه شاهی دمبی (عکس از نگارندگان)

هشتم هجری (۷۱۵ تا ۷۲۵ هجری) می‌داند. او مجموعه سربازخانه و کاروانسرای سنگی دمبی را با مجموعه سربازخانه و کاروانسرای هشت‌ضلعی چهارآباد در جاده نطنز مشابه دانسته است (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۷۱). سیرو در جایی دیگر درباره کاروانسرای سنگی دوره صفوی در دمبی آورده است: «کاروانسرای دمنی یک محل توقف مهم در جاده اصفهان - نطنز بوده و در زمان صفویه رفت و آمد بسیاری داشته است. این بنای شگفت (۵۵/۹ در ۵۷/۲ متر) حاصل استفاده مجدد از یک بنای مغولی است؛ به‌همین دلیل است که درعین دنباله‌روی از طرحی که طبق نمونه‌های گذشته ترسیم شده است، تفاوت‌های فاحشی را نشان می‌دهد. این نقص‌ها عبارت‌اند از تنگی راه طویله، ورودی‌ای که مستقیماً وارد یک دالان پهن می‌شود و فقدان قسمت مخصوص نگهبانان در ورودی. هم‌چنین، بی‌قاعدگی‌هایی در طویله‌های جنبی دیده می‌شود که انباری‌هایی در انتهای دالان [طویله‌ها] ترتیب داده‌اند. سردر که از طرف خارج بسیار ویران است، قسمت اعظمش مغولی است. دیوار بزرگ خارجی با قلوه‌سنگ، پانزده برج و پشت‌بند، متعلق به بنای اولیه مغولی است. بر فراز یکی از برج‌ها [در دوره صفوی] یک فانوس قرار داده‌اند ... حیاط مربع است و دو ایوان بزرگ براساس طاق‌هایشان مغولی هستند؛ اما ایوان‌های کوچک در دوره صفوی بازسازی شده‌اند. کاروانسرای دمنی براساس آثار قدیم‌تر متعلق به اواخر دهه ۷۳۰ هجری است و تغییر شکل‌های دوره صفوی براساس قطعات تزئینی متعلق به دوره شاه‌عباس اول است» (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۲۷-۲۲۸).

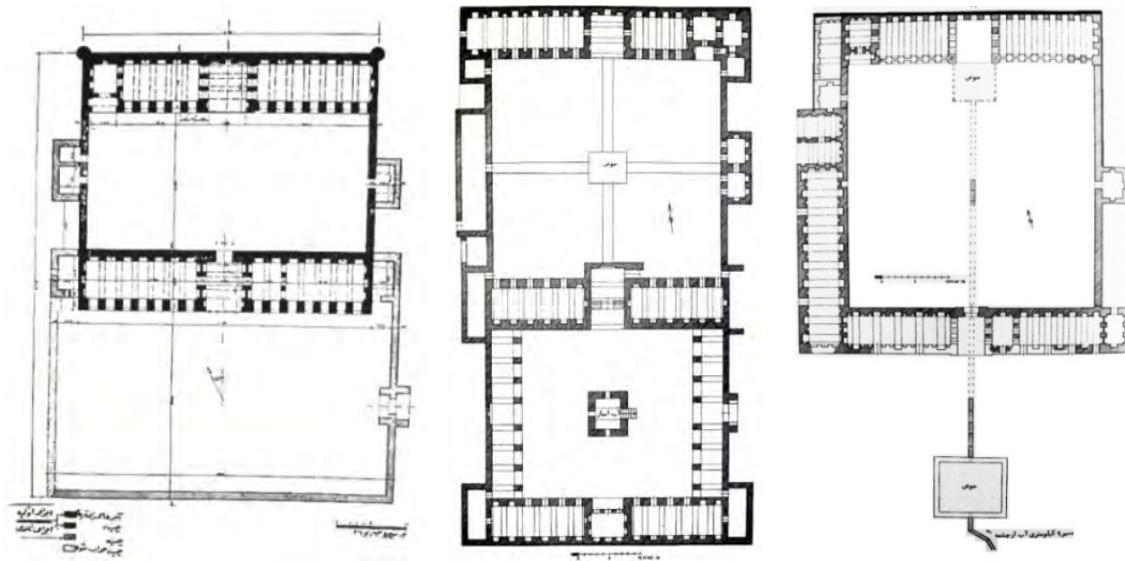
با وجود توضیحات ماکسیم سیرو درباره بنایی که وی آن‌را سربازخانه مغولی در دمبی نامیده است، به‌نظر می‌رسد با مقایسه نقشه این بنا با اقامتگاه‌های شاهی چهارآباد، عباس‌آباد سیاه‌کوه و سفیدآب در جاده سنگ‌فرش کویر

آن نمی‌توان آن را یک روستا دانست و حضور مردم روستا و تعداد زیاد مسافر را به‌طور هم‌زمان در آن تصور کرد. اما می‌توان علی‌آبادریگ را [که با کمشچه فعلی حدود سه کیلومتر فاصله دارد]، روستایی فرض کرد که مورد نظر کلایس بوده و به‌عنوان اقامتگاه کاروانیان در این مسیر کاربرد داشته است.

اقامتگاه دمبی

سومین منزل در مسیر اصفهان - فرح‌آباد ساری، منزل «دمبی» بود. سفیر اسپانیا، فیگوئروا در سفر خود از اصفهان به قزوین از دمبی عبور کرده و آن را راحت‌تر از کاروانسرای علی‌آبادریگ دانسته است «در مدخل این کاروانسرا چشمه آبی زلال و خنک به‌چشم می‌خورد. اما به‌زودی فهمیدیم که آبش بسیار بد است و کسانی که از آن آشامیدند، بلافاصله به دل‌درد و سردرد دچار شدند» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۴). اولتاریوس نیز در دوره شاه‌صفی این اقامتگاه را توصیف و به چشمه‌ای در نزدیکی آن اشاره نموده است (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

ماکسیم سیرو در بررسی راه‌های نواحی شمالی اصفهان، از دمنی (دمبی) در مسیر «اصفهان - قمشه (کمشچه) - دمنی - بهجت‌آباد» یاد کرده و به کاروانسرای صفوی دمبی و چراغ راهنمای این کاروانسرا اشاره نموده است. به‌اعتقاد او این راه به‌ویژه در شب استفاده می‌شده است. او پایه‌های کاروانسرای صفوی را از اواخر دوره مغول دانسته و به یک کاروانسرای نظامی (سربازخانه) شگفت مغولی در این روستا اشاره کرده است (تصویر ۵). براساس گزارش سیرو، بسیاری از آجرهای این بنا برای ساخت‌وسازهای روستای دمبی استفاده شده است (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۹). او براساس ویژگی خاص قالب‌گیری گچی در دورتادور اجاق‌های سربازخانه، این بنا را متعلق به ربع اول قرن



تصویر ۶. راست: اقامتگاه شاهی عباس‌آباد سیاه‌کوه (کلایس، ۱۳۶۵: ۸۳)، وسط: اقامتگاه شاهی سفیدآباد (کلایس، ۱۳۶۵: ۷۸)، چپ: اقامتگاه شاهی دمبی (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۶۸).

مبانی نظری باستان-زیست‌بوم‌شناسی

در علم زیست‌بوم‌شناسی، چگونگی هم‌زیستی و برهم‌کنش موجودات زنده و زیست‌بوم آنها بررسی می‌شود (عبدی، ۱۳۸۰: ۱۴). این هم‌زیستی و برهم‌کنش به این معناست که موجودات زنده و از جمله انسان با زیست‌بوم رابطه‌ای متقابل و نظام‌مند دارند و تغییر در یکی سبب تغییر در دیگری می‌شود تا تعادل در سیستم محفوظ بماند. زیست‌بوم‌شناسی انسانی (یا فرهنگی) به زیست‌بوم‌هایی می‌پردازد که انسان در آن حضور دارد و ارتباطی میان او و آن زیست‌بوم برقرار است (Butzer, 1982). براساس مطالب گفته‌شده، «باستان-زیست‌بوم‌شناسی» شاخه‌ای از مطالعات باستان‌شناسی است که برپایه مبانی زیست‌بوم‌شناسی، به تحلیل و پاسخ‌گویی به پرسش‌های باستان‌شناسی می‌پردازد (Dincauze, 2000: 16).

زیست‌بوم طبیعی و زمینه فرهنگی جامعه مورد بررسی، عوامل زیربنایی را در شکل‌گیری محوطه‌ها و بقایای باستان‌شناختی تشکیل می‌دهد. بنابراین برای شناخت نظام‌های فرهنگی و رفتارهای انسانی باید متغیرهای زمانی، مکانی، فیزیکی و طبیعی در نظر گرفته شوند (عبدی، ۱۳۸۰: ۱۷). در این رهیافت، زمین‌های کشاورزی، کانال‌های آبیاری، مراکز استقرار، راه‌ها و ... نشانه‌هایی از تداوم تعامل انسان با محیط هستند و در این تعامل، علاوه بر تأثیر انسان بر محیط، محیط هم به‌عنوان بستر زندگی انسان، تأثیرات عمیقی بر شیوه معیشت و تاریخ‌تطور

(نک: کلایس، ۱۳۶۵: ۸۵)، می‌توان هر چهار بنا را کاخ یا اقامتگاه شاهی در مسیر این جاده دانست که همگی توسط یک معمار احداث شده‌اند (تصویر ۶). از سوی دیگر، با توجه به این‌که مغولان، بناهای نظامی و سربازخانه‌های خود را در محله‌ای قابل دفاع و با دید بسیار زیاد و با برج‌و باروهای مستحکم بنا می‌کردند، نمی‌توان بنای دمبی را سربازخانه دانست؛ زیرا فاقد ویژگی‌های پیش‌گفته است (کلایس، ۱۳۶۵: ۸۵). به‌نظر می‌رسد این چهار بنا، در محل شکارگاه‌های سلطنتی در مسیر اصفهان - فرح‌آباد و اشرف (بهشهر) فقط برای فرود آمدن و استراحت پادشاهان صفوی و همراهان و حرم‌سرای آنان ساخته شده است (کلایس، ۱۳۶۵: ۸۵).

نکته قابل توجه، یکسان بودن تقریبی فرم و ساختار اقامتگاه‌های علی‌آبادریگ، دمبی، چهارآباد، سفیدآباد و عباس‌آباد سیاه‌کوه است. براین‌اساس می‌توان الگوی مشابهی را برای اقامتگاه ویران شده دولت‌آباد ارائه داد. طبق الگوی موجود، ساختار این اقامتگاه‌های شاهی مشتمل بر یک یا دو صحن مرکزی گاهی همراه با استخری در میانه آن و تالارهایی با طاقچه‌ها و قوس‌های تزئینی در دو طرف صحن، ایوانی در وسط نمای این تالارها و فضاها و غرفه‌هایی کوچک‌تر با کارکردهای دیگر در دو ضلع دیگر اطراف صحن است. امروزه در مجاورت کاروانسرا و اقامتگاه شاهی دمبی، روستای کوچک دمبی با حدود ۳۲ خانوار و ۱۱۴ نفر جمعیت وجود دارد.



افزون بر این، پیوندها و تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب می‌شد در صورت عدم وجود منابع در نزدیکی سکونت، تأمین این منابع از طریق تبادلات صورت گیرد.

«فضا» از ارتباط مکان‌ها و ویژگی‌های آنها حاصل می‌شود (نیکنامی، ۱۳۸۵: ۱۲). موقعیت قرارگیری یک سکونت، فواصل آن سکونتگاه از منابع، میزان فضا در ازای هر فرد یا هر فعالیت (وات، ۱۳۸۶: ۸۳)، ارتفاع و شیب زمین (امبرلین، ۱۳۷۷: ۱۸۹)، وجود اراضی قابل آمایش، عبور راه‌های مواصلاتی و دسترسی آسان و نیز هم‌جواری با مراکز سکونتی دیگر (دولفوس، ۱۳۷۳: ۳۱) ویژگی‌های یک سکونتگاه را تعیین می‌کند و بافت آن را شکل می‌بخشد.

«تنوع» پوشش گیاهی و گونه‌های جانوری از دیگر متغیرهای اصلی یک زیست‌بوم است که به متغیرهای دیگر از جمله مساحت، ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی و نوع مواد اولیه بستگی دارد (وات، ۱۳۸۶: ۹۴). تنوع مواد غذایی گیاهی و منابع، فراهم‌بودن محیطی مناسب برای رشد و حیات گونه‌های جانوری و بهره‌مندی از این گونه‌های جانوری، امکان توسعه یک سکونتگاه را برای گروه‌های انسانی به وجود می‌آورد.

بحث و تحلیل

اساساً حیات یک سکونتگاه را می‌توان در سه مرحله شامل شکل‌گیری، گسترش، ترک و تخریب مطالعه کرد. به نظر می‌رسد در فاز شکل‌گیری اقامتگاه‌های شاهی در حاشیه شمالی اصفهان، علاوه بر متغیرهای بوم‌شناختی که به آن پرداخته خواهد شد، اراده نظام حاکم و شخص شاه نقش مهمی داشت. چنان‌که این اقامتگاه‌ها و راه ارتباطی مورد نظر همگی به دستور شاه‌عباس اول احداث شدند (فریر، ۱۳۸۴: ۶۹). ساخت چنین اقامتگاه‌هایی، نیازمند فراهم‌آوردن امکانات رفاهی و خدماتی کافی در مجاورت این بناها بود؛ بنابراین، با ساخت این اقامتگاه‌ها یا باید قصبه و روستایی کوچک در مجاورت آن شکل می‌گرفت یا این‌که خود اقامتگاه، باید در نزدیکی روستا یا شهری بنا می‌شد. چنان‌که براساس بررسی‌های میدانی، در مجاورت هر سه اقامتگاه دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی، روستا یا شهری وجود داشته یا دارد. پیتر و دل‌واله در سفرنامه خود اشاره کرده که به دستور شاه‌عباس اول پس از احداث و گسترش شبکه راه‌های ارتباطی کشور، بر سر برخی راه‌ها، به منظور خدمات‌رسانی به مسافران، روستاهای جدیدی احداث شده و بالاجبار مردمانی در این روستاها سکونت داده شدند (دل‌واله، ۱۳۷۱: ۱۶۴). بنابراین اراده و خواست شاه

فرهنگی بشر داشته است (Rapp & Hill, 1998: 106). کنت وات (۱۳۸۶) متغیرهای زیست‌بوم‌شناختی مؤثر بر شکل‌گیری، گسترش، تداوم و تخریب سکونتگاه‌ها را پنج عامل ماده، انرژی، تنوع، زمان و فضا معرفی کرده است (وات، ۱۳۸۶: ۹۶). متغیر بوم‌شناسی «ماده» شامل منابع آب، خاک مناسب برای کشاورزی، مواد معدنی و هوای مطلوب است که اصلی‌ترین نیازهای اولیه انسانی در هر استقرار و سکونت را تشکیل می‌دهد (وات، ۱۳۸۶: ۶۷-۷۲). دسترسی آسان و سریع به مواد مورد نیاز در نظام اقتصادی ساکنان سکونتگاه در یک شرایط مطلوب، به شکل‌گیری و توسعه آن سکونتگاه منجر می‌شود (Green, 1997: 52). شهرها و روستاهای حاشیه رودخانه‌های بزرگ و کوچک و واقع در دشت‌ها و اقلیم‌های پرباران از جمله این سکونتگاه‌ها هستند.

در فرایند بالفعل‌شدن ماده، متغیر بوم‌شناختی «انرژی» نقش دارد. به سخن بهتر، انرژی درعین این‌که از بالفعل‌شدن ماده حاصل می‌شود، خود باعث بالفعل‌شدن ماده نیز می‌گردد. تمامی فعالیت‌های جانداران نیازمند انرژی است و فعالیت جاندار بستگی به میزان انرژی دارد که می‌تواند آن را مصرف کند (Trivedi & Raj: 1992: 46). در نواحی گرم و خشک از جمله مناطق مرکزی فلات ایران، انرژی خورشیدی از مهم‌ترین منابع انرژی به‌شمار می‌آید. انرژی خورشید، پویایی زیست‌بوم را در پی دارد و بر فرایند رویش محصولات کشاورزی و گیاهان، تبخیر و تعریق، درجه حرارت و میزان رطوبت اثرگذار است (Trivedi & Raj, 1992: 47, 48). با وجود اثرات سازنده انرژی خورشید، گاه مقادیر بسیار زیاد نور به بافت‌ها صدمه وارد می‌کند (امبرلین، ۱۳۷۷: ۱۴۶) و از این منظر، می‌تواند مخرب باشد. میزان تبخیر نیز در یک منطقه مستقیماً بر نوع محصولات و فعالیت‌های کشاورزی، روش‌های آبیاری و همچنین نوع فعالیت‌های معماری و مصالح ساختمان مؤثر است. وزش باد از دیگر مصادیق تأثیر انرژی بر زیست‌بوم است. سرعت و جهت باد علاوه بر افزایش تبخیر، در شرایط دمایی بالا عامل آسایش است؛ اما با توجه به نقش فرسایشی آن، در درازمدت اثرات مخربی نیز در پی دارد (شفقی، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۴).

متغیر بوم‌شناختی «زمان» در قالب زمان مورد نیاز برای رسیدن به منابع بررسی می‌شود (وات، ۱۳۸۶: ۹۱). در جوامع پیشرفته، به دلیل ابداع شیوه‌های نوین بهره‌برداری از منابع، تأثیر این عامل ناچیز است؛ زیرا حفر چاه، قنات و کانال‌کشی، دسترسی را به منابع آب در هر نقطه فراهم می‌کند.

و هم‌چنین خدمات‌رسانی به کاروانیان مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری و توسعه روستاهای هم‌جوار با اقامتگاه‌های شاهی بود. از سوی دیگر، با نگاهی بر نقشه‌های جغرافیایی و بررسی مسیرهای قابل عبور رشته‌کوه‌های شمال اصفهان، به نظر می‌رسد انتخاب مسیر راه شاهی اصفهان به فرح‌آباد ساری، به درستی صورت گرفته و کوتاه‌ترین مسیر ممکن برای عبور این جاده در نظر گرفته شده است؛ مسیری که از دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی تا چهارآباد، عباس‌آباد سیاه‌کوه و سایر اقامتگاه‌های شاهی در یک خط کاملاً مستقیم عبور می‌کرد (تصاویر ۱ و ۷). هم‌چنین با توجه به فاصله ۱۵ کیلومتری دولت‌آباد قدیم از اصفهان، فاصله ۱۴ کیلومتری علی‌آبادریگ تا دولت‌آباد و فاصله ۱۵ کیلومتری دمبی از علی‌آبادریگ می‌توان این فواصل را با حداقل مسافت مناسب برای یک روز سفر شاه و هیئت همراه او (حدود ۳ فرسخ یا تقریباً ۱۶ کیلومتر) مطابق دانست.

بر اساس شواهد بررسی‌های باستان‌شناسی و قطعات سفال پراکنده در سطح به نظر می‌رسد در دو منطقه



تصویر ۷. راه شاهی اصفهان - فرح‌آباد ساری (کلایس، ۱۳۶۵: ۷۵).

علی‌آباد ریگ و دمبی، قبل از احداث اقامتگاه شاهی در دوره صفویان، سکونت‌گروه‌های انسانی وجود داشته است و این اقامتگاه‌ها در عصر صفوی در مجاورت روستای موجود بنا شده‌اند. اما این موضوع درباره دولت‌آباد صادق نیست. در متون تاریخی قبل از دوره صفوی به وجود روستا یا شهری به نام دولت‌آباد اشاره‌ای نشده است و شواهد باستان‌شناسی نیز چنین موضوعی را تأیید نمی‌کند. بنابراین، می‌توان تصور کرد که در دولت‌آباد، ابتدا اقامتگاه شاهی احداث شده و سپس بنا به ضرورت‌هایی، روستای دولت‌آباد شکل گرفته است.

علل شکل‌گیری این روستا در مجاورت اقامتگاه شاهی دولت‌آباد را می‌توان از منظر باستان-زیست‌بوم‌شناسی با سه متغیر «ماده»، «تنوع» و «فضا» مرتبط دانست. با بررسی نوع خاک منطقه و نگاهی بر فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی دوران اخیر در مناطق پیرامون دولت‌آباد مشخص است که این نوع خاک برای ساخت مصالح ساختمانی، از جمله آجر و خشت، بسیار مناسب است؛ زیرا خاک منطقه دارای مقادیر زیادی شن و ریگ است و وجود شن و ریگ در خاک باعث مقاوم‌شدن آجر، خشت و چینه و پیشگیری از ترک برداشتن آنهاست (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). در حال حاضر تعداد قابل توجهی کوره سنتی آجرپزی در نزدیکی دولت‌آباد و اطراف شهر گز فعال است و در کنار کوره‌های آجرپزی جدید، آجر مورد نیاز اغلب شهرهای استان اصفهان و استان‌های هم‌جوار توسط این کوره‌ها تأمین می‌شود. سوخت مورد نیاز در این کوره‌ها در حال حاضر مازوت یا نفت سیاه است؛ اما در دوران گذشته از زغال‌سنگ، چوب و خار بیابان به‌عنوان سوخت کوره استفاده می‌شد (فدالی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). بنابراین، برای شکل‌گیری ساختارهای معماری منطقه، آجر و خشت بوم‌آورد به‌راحتی در اختیار معماران و بنایان بود و وجود چوب و خار بیابان در منطقه، سوخت مورد نیاز کوره‌های پخت آجر را تأمین می‌کرد. با توجه به فاصله کوتاه دولت‌آباد از شهر اصفهان، دور از ذهن نیست که آجر تولیدی این منطقه در دوران صفوی نیز نیاز بناهای شهر اصفهان را تأمین می‌کرده است.

از سوی دیگر، خاک منطقه برای کشت و زرع محصولاتی خاص، مستعد بوده و از دوران گذشته، کشاورزی و باغداری در این منطقه رواج داشته و محصولات مختلفی در حوالی دولت‌آباد که تقریباً در مرکزیت ناحیه برخوار بود، کشت می‌شده است. در برخی متون به کیفیت بالای این محصولات و شهرت فرامنطقه‌ای آنها نیز اشاره شده



ساری راه‌های ارتباطی شمال اصفهان از مناطق دیگر عبور می‌کردند (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۸) و علی‌آبادریگ و دمبی در مسیر فرعی تری قرار داشتند که در برخی دوره‌ها فقط مورد استفاده نظامی و چپاری بود؛ اما از دوران صفوی بر تعداد این راه‌های ارتباطی افزوده شد و مسیر دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی به مسیری پرتردد تبدیل شد (نک: سیرو، ۱۳۵۷: ۱۹-۳۷؛ احمدی، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۸). با اهمیت یافتن این مسیر و افزایش تردد در آن از دوره صفوی کم‌کم بر اهمیت روستاهای دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی نیز افزوده شد و توسعه و گسترش در آنها سرعت بیش‌تری گرفت.

از سوی دیگر، وجود کارگاه‌های هرچند کوچک نساجی، فرش‌بافی و اشتغال ساکنان هر سه منطقه به ریسندگی و بافندگی ناشی از ویژگی‌های مناسب این مناطق برای پرورش دام و کشت محصولاتی چون پنبه بود. پنبه یکی از محصولات کشاورزی در منطقه برخوردار بود و در برخی منابع به کیفیت بالای این محصول اشاره شده است (ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۰). وجود کارگاه‌های ریسندگی و بافت پارچه‌های پنبه‌ای در برخی از روستاها و شهرهای برخوردار جایگاه والای این محصول را در منطقه مشخص می‌کند (نک: احمدی، ۱۳۸۸: ۳۴۲). همچنین در سال‌های اخیر بافت انواع فرش‌ها در این مناطق مرسوم بوده و هست که ریشه در فرهنگ و تاریخ این نواحی دارد. با توجه به فراگیربودن این‌گونه تولیدات در اغلب قریه‌ها، روستاها و شهرهای شمال اصفهان شاید علاوه بر تأمین نیاز ساکنان منطقه، نیاز شهرهای دیگر نیز از طریق این تولیدات برطرف می‌شد (نک: احمدی، ۱۳۸۸: ۴۱۵). بنابراین متغیر بوم‌شناختی تنوع به تولید محصولاتی خاص همچون دست‌بافته‌ها نیز منجر شده بود.

در مرحله ترک و تخریب روستاهای دولت‌آباد قدیم، علی‌آبادریگ و دمبی علاوه بر جنگ و گریزهای افغانان در شمال اصفهان (ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳)، عوامل بوم‌شناختی و محیطی به‌ویژه متغیر فضا نیز نقش عمده داشته‌اند. بنا بر اظهارات سالخوردگان شهر فعلی دولت‌آباد، با وجود رشد و رونق شهر در دوران بعد از صفویان به‌دلیل وقوع سیلی ویرانگر در حدود ۱۲۰ سال قبل به‌یک‌باره تمام روستا تخریب شد. اما با توجه به جمعیت زیاد روستا و اهمیت آن در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، خدماتی شمال اصفهان بازماندگان این سیل در محلی در حدود سه کیلومتری غرب دولت‌آباد، شهر دولت‌آباد فعلی را پایه‌گذاری کردند. رشد دوباره این شهر،

است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۶-۱۰۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲۴۱؛ ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۰-۳۰۱). برخی از این محصولات هم‌چون تریاک و روناس به‌سبب کیفیت بالا و حجم تولید انبوه به کشورهای دیگر نیز صادر می‌شدند (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۲۰۵).

همچنین، علاوه بر راه شاهی صفوی راه ارتباطی دیگری نیز از دولت‌آباد عبور می‌کرد و براین‌اساس، دولت‌آباد افزون بر خدمات‌رسانی به کاروان شاه و هیئت همراه به کاروانیان دیگر نیز خدمات ارائه می‌داد. مسیر «اصفهان - دولت‌آباد - علی‌آبادریگ - دمبی - بهجت‌آباد» همان مسیر شاهی بود و علاوه بر شاه و درباریان کاروان‌های معمولی نیز از آن استفاده می‌کرده‌اند. مسیر دیگر «اصفهان - دولت‌آباد - شاپورآباد - علی‌آبادریگ - دمبی - بهجت‌آباد» بود که مورد استفاده اغلب کاروانیان قرار می‌گرفت (احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲؛ احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۸ و ۱۴۰). بنابراین وجود تأسیسات و ابنیه خدماتی در دولت‌آباد ضروری بود و این امر خود به توسعه دولت‌آباد به‌عنوان یک مرکز اقامتی در فاصله نزدیکی از اصفهان منجر شده بود. این امر، نقش متغیر بوم‌شناختی فضا را در شکل‌گیری و توسعه دولت‌آباد مشخص می‌کند.

براساس نوشته‌های کتب تاریخی، یکی از مهم‌ترین دلایل احداث اقامتگاه شاهی در دمبی، ویژگی‌های مطلوب جغرافیایی، تنوع گونه‌های جانوری و مهیا بودن شرایط برای تبدیل این منطقه به شکارگاه سلطنتی بود. درباره شکارگاه‌های فراوان و نیکو در نواحی شمالی اصفهان، حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب اشاراتی آورده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۵۴-۵۶). به‌دلیل آب و هوای خوش و فرح‌بخش دمبی و وفور شکار در کوه، دشت و بیابان آن و فاصله مناسب تا مرکز حکومت، به امر شاه‌عباس تفرجگاه بیلاقی با عمارتی باشکوه در این مکان برپا شده بود (نراقی، ۱۳۵۲: ۶۴). این عامل، در کنار موقعیت مناسب دمبی در خط مستقیم اصفهان به جاده سنگ‌فرش کویر باعث شکل‌گیری اقامتگاه شاهی در دمبی بود. همچنین، در شکل‌گیری این اقامتگاه، فاصله حدود یک منزلی آن (سه فرسخ) تا علی‌آبادریگ در جنوب و بهجت‌آباد در شمال نیز نقش داشت؛ بدین معنا که پس از یک روز سفر از علی‌آبادریگ به دمبی و در روز بعد از دمبی به بهجت‌آباد می‌رسیدند.

به‌نظر می‌رسد در توسعه روستاهای دولت‌آباد، علی‌آبادریگ و دمبی متغیر بوم‌شناختی فضا نقش عمده‌ای داشته‌است؛ چراکه تا قبل از دوران صفوی و احداث راه شاهی تا فرح‌آباد

پس از وقوع سیل ویرانگر، نشان‌دهنده اهمیت آن در میان شهرها و روستاهای شمال اصفهان است. موضوعی که شاید درباره علی‌آباد ریگ و شهر کمشچه در سه کیلومتری آن نیز به وقوع پیوسته است. در قرن اخیر با توجه به احداث کارگاه‌های صنعتی فراوان در حوالی دولت‌آباد و ساخت یک منطقه صنعتی در نزدیکی آن رشد و توسعه این شهر سرعت گرفت؛ ضمن این‌که نزدیکی آن به اصفهان و به مسیرهای اصلی در شمال اصفهان که امروزه مورد استفاده هستند نیز از دلایل توسعه دولت‌آباد در دهه‌های اخیر است. علی‌آبادریگ روستایی با وسعت تقریبی 300×500 متر بود و در شرق آن اقامتگاه شاهان صفوی بنا شده بود. از آنجایی که این روستا در محدوده برخی از جنگ‌های طوایف و اقوام^۲ قرار داشت (ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳)، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل ترک و تخریب آن، ویرانی ناشی از این نبردها بود. بنابراین، در مرحله ترک و تخریب این روستا عامل بوم‌شناختی فضا نقش عمده‌ای داشته است. پس از ترک و تخریب این روستا، کم‌کم با وزش بادهای و طوفان‌های شن از سمت کویر مرکزی ایران، این روستا به‌تمامی در زیر لایه‌هایی از شن مدفون شد که براساس بررسی میدانی نگارندگان در برخی نقاط ارتفاع این لایه‌های شن به حدود $1/5$ متر می‌رسد. بنابراین پدیده باد که در مباحث بوم‌شناختی به‌عنوان یکی از مصادیق متغیر انرژی بررسی می‌شود، در این روستا باعث ویرانی کامل شده است. چراکه این ناحیه به‌صورت پیوسته در معرض وزش بادهای خشک کویری از شرق و شمال است که با خود ذرات شن و ماسه می‌آورند و باعث فرسایش زمینهای کشاورزی و ساختارهای معماری می‌شوند (طرح هادی دولت‌آباد، ۱۳۷۳: ۵۷). براساس شواهدی از جمله وسعت کم روستای علی‌آبادریگ، اشاره‌های اندک متون و منابع تاریخی به آن در مقایسه با دولت‌آباد فعلی به‌نظر می‌رسد اهمیت علی‌آباد ریگ در دوران حیات خود، کمتر از دولت‌آباد بوده و توسعه کمتری داشته است. در دوران اخیر با توجه به دورماندن کمشچه و علی‌آبادریگ از مسیرهای اصلی در شمال اصفهان این منطقه توسعه چندانی نیافته است.

یکی دیگر از دلایل عدم توسعه علی‌آباد ریگ و شهر هم‌جوار با آن یعنی کمشچه، تغییر مسیرهای اصلی ارتباطی در شمال اصفهان بود زیرا در دوره‌های اخیر دسترسی اصلی اصفهان به اردستان از دو مسیر نائین یا نطنز صورت می‌گرفت و دسترسی از دولت‌آباد و کمشچه به اردستان در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. بنابراین،

با وجود سکونت ساکنان علی‌آبادریگ در کمشچه پس از ویرانی علی‌آباد، شهر کمشچه به‌عنوان علی‌آباد جدید توسعه چندانی نیافت.

از دلایل عمده توسعه بسیار کم و ترک تدریجی روستای دمبی از حدود اواخر دوران قاجار و دهه‌های اخیر می‌توان به متغیر بوم‌شناختی فضا اشاره کرد. عدم استفاده از راهی که از اصفهان به دمبی و سپس بهجت‌آباد، چهارآباد، سردهان و نطنز می‌رفت و اهمیت یافتن مسیر اصفهان- مورچه‌خورت - نطنز و هم‌چنین دوربودن دمبی از این مسیر جدید یکی از دلایل عمده عدم توسعه در دمبی بود. مسیر «اصفهان - مورچه‌خورت - نطنز» در حدود ۱۲ کیلومتر طولانی‌تر از مسیر «اصفهان - دمبی - سردهان - نطنز» بود؛ اما به‌دلیل عوارض و موانع طبیعی کمتر اهمیت بیش‌تری یافته بود (سیرو، ۱۳۵۷: ۳۷). هم‌چنین بنا بر نوشته متون و گزارش‌های موجود، در دوران اخیر نواحی کوهستانی و دامنه‌های کوه‌های کرکس از دمبی تا مورچه‌خورت محل استقرار راهزنان و باج‌گیران بود (برد و هارولد، ۱۳۷۶: ۲۷۳؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۱۰؛ نورانی، ۱۳۸۳: ۱۶۰ و ۱۶۴-۱۶۵) تا جایی‌که بخشی از جاده خروجی از مورچه‌خورت با نام «گردنه قُرُقچی» معروف شده بود و امروزه نیز به‌همین نام خوانده می‌شود. این موضوع امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده بود؛ در حالی که در دوره صفویان وضع بدین منوال نبود و امنیت منطقه در آن دوران به‌گونه‌ای تأمین شده بود که شاه‌عباس این منطقه را به‌عنوان شکارگاه خود انتخاب کرده بود. اما در دوران اخیر و به‌ویژه هم‌زمان با مشروطیت و اوضاع نابسامان اصفهان، راهزنی و قطع طریق در راه‌های منتهی به اصفهان به حد بالایی رسیده و زندگی و عبور و مرور مردم را با مشکل مواجه کرده بود. سیرو در توصیف راه «اصفهان - کمشچه - دمبی - بهجت‌آباد» چنین اشاره کرده که این راه در دوران صفوی یکی از راه‌های پررفت و آمد بوده است؛ چراکه در قسمت انتهایی کویر واقع شده است. اما در دوران قاجار به‌دلیل استقرار راهزنان در کوهستان‌های آن و نا امنی مسیر کمتر مورد استفاده بود (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۸). بنابراین، یکی دیگر از دلایل عدم توسعه دمبی در دوران پس از صفوی همین موضوع بوده است؛ تا جایی‌که امروزه دمبی با وجود برخورداری از منابع آب کافی و مناسب، با حدود ۱۱۴ نفر جمعیت در حال ویرانی و متروک شدن است. در حال حاضر، مسیری که از اصفهان و کمشچه به دمبی می‌رسد، جاده‌ای بسیار کم‌تردد است که تنها مورد استفاده کارگران معادن اطراف



اصفهان کاهش یافت. این مسئله همچنین باعث کاهش رفت و آمد از مسیرهای فرعی و دورتر بود. شاید کاهش جمعیت اصفهان و نواحی مجاور در پی نبردهایی مانند نبرد افغان‌ها و ایرانیان یا بر اثر بیماری‌های واگیردار نیز بر این رکود مؤثر بود. از طرف دیگر، با اهمیت یافتن راه‌های ارتباطی اصفهان به تهران در دوران قاجار، دو مسیر «اصفهان - مورچه‌خورت - دلیجان - قم» و «اصفهان - مورچه‌خورت - کاشان - قم» به مسیرهای عمده و اصلی تبدیل شدند و دیگر راه‌ها یا بلااستفاده ماندند یا تردد کم‌تری از آنها صورت می‌گرفت.

دمبی و ساکنان دو روستای دمبی و مرغ قرار می‌گیرد؛ زیرا با گذشتن از دمبی و مرغ جاده به‌تمام می‌رسد و برای دسترسی به مناطق شمالی‌تر، در دوران اخیر جاده آسفالت‌ه مناسبی احداث نشده است.

به‌نظر می‌رسد در عدم توسعه علی‌آبادریگ و دمبی، تغییر مرکز حکومت از اصفهان به شیراز و تهران نیز نقش داشته است. در دوران پس از صفویان، با انتقال پایتخت از اصفهان به مراکز چو شیراز و تهران، عملاً روند توسعه شهر اصفهان و نواحی پیرامون آن با رکود همراه شد و برخی فعالیت‌های صنعتی، خدماتی و عمرانی پیرامون

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های عمرانی و برنامه‌های سازندگی شاه‌عباس‌اول پس از تثبیت حکومت او از مهم‌ترین اقدامات وی در توسعه کشور بود. وی به‌دلیل علاقه به مازندران (زادگاه مادرش) و ویژگی‌های آب‌وهوایی این منطقه، دستور ساخت راه شاهی میان اصفهان و مازندران را صادر کرد و در طول این مسیر اقامتگاه‌هایی مناسب برای سکونت شاه و هیئت همراه بنا شد. بنابراین، ساخت و شکل‌گیری این اقامتگاه‌ها مستقیماً براساس اراده و خواست شاه بوده است. اما در مرحله مکانیابی و احداث این بناها در دولت‌آباد، علی‌آباد ریگ و دمبی، برخی متغیرهای بوم‌شناختی اثرگذار بوده‌اند. از جمله این متغیرها، فضا، ماده و تنوع بود. فاصله حدود ۱۵ کیلومتری دولت‌آباد از اصفهان، علی‌آبادریگ از دولت‌آباد و دمبی از علی‌آبادریگ، با حداقل مسافت سفر یک‌روزه مطابقت داشت. از طرف دیگر، این سه اقامتگاه و اقامتگاه‌های دیگر در نواحی شمالی‌تر تقریباً در خطی مستقیم واقع بودند که کوتاه‌ترین مسیر برای عبور از کوه‌های کرکس و مرکز فلات ایران محسوب می‌شد. وجود شکارگاه عالی و تنوع گونه‌های جانوری در نواحی اطراف دمبی، یکی دیگر از دلایل انتخاب این منطقه به‌عنوان یکی از اقامتگاه‌های بین‌راهی شاه بود تا علاوه بر اسکان کاروان شاهی در آن، امکان پرداختن شاه به تفریح و شکار نیز فراهم شود. از سوی دیگر، احداث این اقامتگاه‌های شاهی سبب توسعه روستاهای هم‌جوار نیز شده بود و در این توسعه، عواملی چون خدمات‌رسانی به کاروانیان، رونق کشاورزی و کشت محصولات خاص و ممتاز و همچنین تولید کالاهایی از جمله پارچه و فرش مؤثر بودند. توسعه دولت‌آباد و تبدیل آن به شهری بزرگ در شمال اصفهان در دوران اخیر ناشی از این موضوع است.

اما با وجود توسعه دولت‌آباد در دوران پس از صفوی، در علی‌آبادریگ و دمبی روند توسعه متوقف شد و این عدم توسعه به ترک و تخریب این روستاها انجامید. در فاز تخریب این دو سکونتگاه، افزون بر ویرانی‌های ناشی از جنگ‌های افغان‌ها و طوایف و اقوام دیگر، دو متغیر بوم‌شناختی فضا و انرژی عمده‌ترین نقش را داشت. تغییر مسیرهای اصلی ارتباطی اصفهان با نواحی شمالی، سکونت اهالی علی‌آبادریگ در شهر کم‌شبه در نزدیکی آن، کوهستانی‌بودن نواحی شمالی دمبی که امکان کمین راهزنان و باج‌گیران را افزایش می‌داد و همچنین دورماندن علی‌آبادریگ و دمبی از دسترسی مسافران از مهم‌ترین این دلایل هستند. تغییر مرکز حکومت از اصفهان به شیراز و تهران، پس از دوران صفوی، سبب کاهش اهمیت اصفهان و رکود فعالیت‌های عمرانی بود و برخی از مسیرهای ارتباطی فرعی‌تر کم‌تر مورد استفاده قرار گرفتند. همه این موارد، از مصادیق تأثیر متغیر بوم‌شناختی فضا بر این محوطه‌ها شمرده می‌شوند.

وزش مداوم بادهای خشک شرقی و شمالی که با خود ذرات ماسه و شن به‌همراه می‌آورند، از دیگر دلایل تخریب سریع در علی‌آبادریگ بوده است؛ درحالی‌که در دمبی به‌دلیل محاصره‌شدن با کوه‌های کرکس، تأثیر این پدیده کمتر بوده و روند تخریب دمبی نسبت به علی‌آبادریگ سرعت آهسته‌تری داشته است. وزش این بادهای مخرب از مهم‌ترین مصادیق تأثیر متغیر بوم‌شناختی انرژی بر ترک و تخریب محوطه‌هاست.

پی‌نوشت

1- Landscape Archaeology

۲- پس از غلبه افغان‌ها بر شاه‌سلطان حسین و تصرف اصفهان، نبردهایی میان ایرانیان و افغان‌ها در نواحی شمال اصفهان صورت گرفت که مهم‌ترین آنها، نبرد نادرشاه با افغان‌ها در مورچه‌خورت بود (نک: ارباب‌اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۰۳).

منابع

- ابن حوقل، محمدبن حوقل (۱۳۴۵). *صوره الارض*. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدی، عباسعلی (۱۳۸۰). بررسی، معرفی و شناسایی بناهای تاریخی منطقه برخوار اصفهان از دوران صفوی تا پایان دوران قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به‌راهنمایی دکتر سوسن بیانی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- _____ (۱۳۸۸). *فضا و جامعه در شهرک‌های اقماری اصفهان عصر صفوی*: مطالعه موردی مورچه‌خورت و قورتان. پایان‌نامه دکتری تخصصی باستان‌شناسی، به‌راهنمایی دکتر حسن کریمیان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ارباب‌اصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا اصفهانی (۱۳۶۸). *نصف‌جهان فی تعریف الاصفهان*. به‌تصحیح دکتر منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- اسکندربیک منشی (۱۳۷۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، جلد دوم، تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان (۱۳۶۴). *مرآه‌البلدان ناصری*. به‌کوشش پرتو نوری‌عله و محمدعلی سپانلو، جلد اول، تهران: اسفار.
- افوخته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله (۱۳۷۳). *نقاوه‌الآثار فی ذکرالآخبار*. به‌اهتمام احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- امبرلین، جی. سی. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر بوم‌شناسی*. ترجمه محمدباقر باقریه نجار، گرگان: انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی.
- اولناریوس، آدام (۱۳۸۵). *سفرنامه آدام اولناریوس*. ترجمه احمد بهیور، تهران: انتشارات ابتکار نو.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۸). «*دادوستد در دوره صفوی*». *مجله بررسی‌های تاریخی*، شماره ۲۱ و ۲۰، صفحات ۱۹۳-۲۱۰.
- برد، اف. ال. و هارولد، اف. وستون (۱۳۷۶). *گشت‌وگذاری در ایران*. ترجمه علی‌اصغر مطهری کرمانی، تهران: جانان.
- بلر، شیلا و بلوم، جاناناتان (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی (۲)*. ترجمه دکتر یعقوب آزند، تهران: انتشارات سمت.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۱). *سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*. ترجمه و شرح حواشی از دکتر شجاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه‌ونشر کتاب.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱). *حیات یحیی*. جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۳). *تحلیل جغرافیایی*. ترجمه سیروس سهامی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات نیکا.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۸۷). *معماری ایران؛ مصالح‌شناسی سنتی*. چاپ چهارم، تهران: زمرد.
- سیرو، ماکسیم (۱۳۵۷). *راه‌های باستانی ناحیه اصفهان و راه‌های وابسته به آنها*. مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- عبدی، کامیار (۱۳۸۰). «*زیست‌بوم‌شناسی انسانی و اهمیت آن در پژوهش‌های باستان‌شناختی*». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال شانزدهم، شماره اول، پاییز و زمستان، شماره پیاپی ۳۱، صفحات ۱۴-۲۵.
- فدائی، حمید (۱۳۸۵). «*مروری بر تجارت جمع‌آوری‌شده درزمینه کوره‌های سنتی پخت آجر*». *مجله اثر، تابستان و پاییز*، شماره ۴۰-۴۱، صفحات ۱۲۸-۱۳۹.
- فریر، راندل دلبیو (۱۳۸۴). *برگزیده و شرح سفرنامه شاردن*. ترجمه حسین هژیریان و حسن اسدی، تهران: فرزانه روز.



- فیگوئروا، دن گارسیادسیلوا(۱۳۶۳). سفرنامه دن گارسیادسیلوا فیگوئروا. ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- فلسفی، نصرالله(۱۳۴۷). زندگانی شاه‌عباس اول. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتف، فدت آفانس یویچ (۱۳۵۶). سفرنامه کاتف. ترجمه محمدصادق همایون فرد، تهران: کتابخانه ملی.
- کلایس، ولفرام(۱۳۶۵). «بناهای صفوی در مسیر جاده اصفهان - فرح‌آباد ساری». مجله اثر، ترجمه علیرضا مهینی، شماره ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، صفحات ۷۲-۹۶.
- _____ (۱۳۸۶). «کاخ‌ها». معماری ایران دوره اسلامی، ترجمه علیرضا مهینی، گردآوری محمدیوسف کیانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت، صفحات ۲۹۵-۳۲۱.
- مستوفی، حمدالله(۱۳۳۶). نزهت‌القلوب. به کوشش محمد دبیرسیاکی، تهران: انتشارات طهوری.
- نراقی، حسن(۱۳۵۲). «جلوه‌های تمدن هخامنشی در آثار عهد صفوی». هنر و مردم، دوره ۱۱، شماره ۱۲۷، صفحات ۵۷-۷۳.
- نورانی، مرتضی(۱۳۸۳). «راهزنی در جاده‌های ایالت اصفهان و اتباع بیگانه». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۶-۳۷، صفحات ۱۵۱-۱۸۲.
- نیکنامی، کمال‌الدین(۱۳۸۵). «مبانی نظری باستان‌شناسی پهن‌دشت». دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، صفحات ۱۱ تا ۲۴.
- وات، کنت(۱۳۸۶). مبانی محیط زیست. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، چاپ نهم، مشهد: جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۳۷۳). طرح هادی دولت‌آباد. دفتر فنی استانداری اصفهان.

- Butzer, Karl W.(1982). *Archaeology as Human Ecology: Method and Theory for a contextual approach*. Chicago: the University of Chicago press.
- Dincauze, Dena F.(2000). *Environmental Archaeology*. New York: Cambridge University Press.
- Green, Kevin.(1997). *Archaeology and Introduction*. London and New York: Routledg.
- Rapp, George, Jr. & Hill, L, Christopher.(1998). *Geoarchaeology: The Earth Science Approach to Archaeological Interpretation*. New Haven and London: Yale University Press.
- Trivedi, P. R. & Raj, Gurdeep.(1992). *Environmental Echology*. First Edition, New Dehli: Akashdeep Publishing House.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Receive date: 2011/11/11

Admission date: 2012/07/09

Contemplation on the Reason of Development and Destruction of Safavid Midway Royal Residences **(Case study: Dowlat A'bad, Ali A'bad Rig and Dombi in the north of Isfahan)**

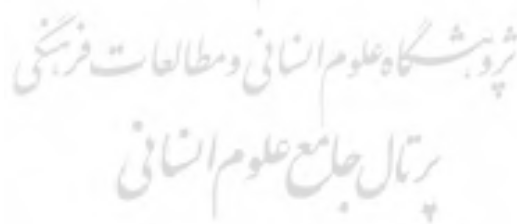
Saeed Amirhajloo* **Javad Neyestani****

Seyyed Mehdi Mousavi*** **Hamid Khatib Shahidi******

Abstract

The town planning activities of Shah Abbas I are at the top of civil activities in the late Islamic era in Iran. The construction of Isfahan-Farh A'bad Saari is one of these activities. The midway royal residences are among the important buildings in this road. The king (Shah A'bbas I) ordered to construct these royal residences and he and other kings of this reign stayed in these royal residences when they were on trip to northern regions. By studying and locating these royal residences, this question is raised that why some of these buildings developed whereas the other ones were abandoned and destroyed in late Safavid period.

In this article, after introducing three royal residences in the northern regions of Isfahan, the architectural structure of them is studied, and the reason behind their development and destruction is discussed. To reach such an aim, the Archaeo-Ecology approach is used.



Keywords: development and destruction, Archaeo-Ecology, royal residences, the midway buildings, Safavid era, the north of Isfahan.

* PhD Candidate, Archaeology Department, Tarbiat Modarres Unive.

** Assistant Professor, Archaeology Department, Tarbiat Modarres University.

*** Assistant Professor, Archaeology Department, Tarbiat Modarres University.

**** Assistant Professor, Archaeology Department, Tarbiat Modarres University.